



دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

۱۳۸۹

حقوق بین الملل خصوصی 1

فصل اول: موضوع حقوق بین الملل خصوصی

مبحث اول: جایگاه حقوق بین الملل خصوصی در میان انواع حقوق

1- جامعه ی بین المللی، نظم بین المللی:

الف) همانگونه که در حقوق داخلی، نظم و قانون بسته به یکدیگرند، و بدون قانون، نظم و عدالت نمی توانند معنی بیابند، در جامعه ی بین المللی نیز آنها به یکدیگر وابسته اند و اگر حقوق نباشد، زور حاکم است.

ب) جامعه ی بین المللی ترکیبی می باشد، از جامعه های همگی کشورها و رابطه های گوناگونی که میان آنها با هم در حال جریان است.

2- تقسیم حقوق بین الملل:

✓ روابط کشورها با یکدیگر بر دو نوع است، نخست - روابط میان دولتها با یکدیگر دوم- رابطه ی میان اتباع کشورها با هم.

3- شباهتهای حقوق بین المللی خصوصی و عمومی:

الف) هر دو به جامعه ی بین المللی مربوط می شوند.

ب) در شکل گرفتن قاعده های حقوق بین الملل خصوصی، منابع حقوق بین الملل عمومی نیز مانند عهدنامه های سیاسی، مؤثرند.

ج) حل اختلافات حقوق بین الملل خصوصی در صلاحیت مراجع قضایی بین المللی بر مبنای قواعد حقوق بین الملل عمومی به عمل می آید.

4- تفاوتهای حقوق بین الملل خصوصی و عمومی:

الف) از حیث وحدت یا کثرت و درجه ی شمول:

نخست) حقوق بین الملل عمومی به لحاظ آنکه نسبت به عموم دولتها شمول دارد، یکی بیش نیست.

دوم) حقوق بین الملل خصوصی، چون ناظر بر روابط افراد یا اشخاص حقوق خصوصی در جامعه ی بین المللی است و هر دولت این اختیار را دارد قاعده های آن را بطور جداگانه در قلمرو خود تنظیم کند، می تواند متعدد و به تعداد کشورها باشد.

ب) از حیث اشخاص دارنده ی حق:

نخست) در حقوق بین الملل عمومی اشخاص دولتها هستند.

دوم) در حقوق بین الملل خصوصی اشخاص افراد کشورها هستند.

ج) از حیث ضمانت اجرا:

نخست) در جامعه ی بین المللی، نیروی قاهره ای برتر از دولتها نیست تا حسن اجرای قاعده های حقوق بین الملل عمومی را در قبال تخلف احتمالی دولت یا دولتها از آن قاعده ها، ضمانت کند، از این رو ضمانت اجرای آنها غیر مستقیم و ناکامل و بسته به عکس العمل های جمعی دولتهای دیگر مانند تحریم روابط اقتصادی با دولت نقض کننده میباشد.

دوم- در حقوق بین الملل خصوصی، ضامن اجرایی قاعده های حقوق بین الملل خصوصی، دادگاههای داخلی و ضامن اجرای احکام آن دادگاهها دولتها می باشند.

د) از حیث مرجع صالح برای رسیدگی:

نخست) در حقوق بین الملل عمومی دیوان بین الملل دادگستری صالح است.

دوم) در حقوق بین الملل خصوصی: مراجع قضایی داخلی صالح هستند.

5- شباهتهای حقوق بین الملل خصوصی و داخلی:

الف) تنظیم قاعده های هر دو به یک روش و همانند یکدیگر است و در هر کشور توسط قانونگذاری همان کشور صورت می گیرد.

ب) حل و فصل دعاوی راجع به حقوق بین الملل خصوصی مانند حقوق داخلی است.

ج) برجسته ترین منبع هر دو، قانون است.

6- تفاوتهای حقوق بین الملل خصوصی و داخلی:

الف) تفاوت در هدفها: در تنظیم قاعده های حقوق بین الملل خصوصی افزون بر مقتضیات نظم داخلی جامعه، که در تنظیم قاعده های حقوق داخلی در نظر گرفته می شود، مقتضیات روابط بین المللی و اینکه دارنده ی حق در مورد آنها می توانند اتباع بیگانه باشد، نیز در نظر گرفته می شود.

ب) تفاوت در شیوه های بیان حکم در قانون: در داخلی، ذاتی یا مادی است و در حقوق بین الملل خصوصی به صورت قاعده ی تعارض قوانین، یعنی تعیین معیاری در قانون برای یافتن قانون حاکم نیست به ماهیت قضیه می باشد.

ج) تفاوت بودن دعاوی حقوق بین الملل خصوصی از دعاوی حقوق داخلی، بر اثر وجود عناصر خارجی.

نک) در دعاوی حقوق بین الملل خصوصی عنصری یافت می گردد که نشانه ی ربط قضیه به حقوق کشوری دیگر می باشد، و آن را عنصر خارجی می نامند.

نک) عنصر خارجی خود دارای انواعی است، مانند: تابعیت خارجی یکی از اصحاب دعوا، یا قرار داشتن اهرتگاه یکی از آنان در خارج از کشور مقر دادگاه است.

د) تفاوت از حیث قابلیت طرح دعوی حقوق بین الملل خصوصی در دادگاههای بیگانه

ه) تفاوت از حیث اجرای حکم یا سند لازم الاجرا: احکام راجع به حقوق داخلی از ضمانت اجرای قوی تری نسبت به حقوق بین الملل خصوصی برخوردار است.

✓ موضوع اصلی حقوق بین الملل خصوصی، مطالعه ی تعارض قوانین است.

مبحث دوم: موضوع های حقوق بین الملل خصوصی1. تعارض قوانین:

موضوع تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی، مطالعه ی قاعده هایی است که با اعمال آنها می توان درباره ی قضیه ای مربوط به قانون بیگانه، به تعیین قانون قابل اجرا دست یافت.

✓ ویژگی قاعده ی تعارض قوانین:

الف) در وضع قاعده های آن، قانونگذار به تعیین معیار اکتفا و از تعیین حکم درباره ی ماهیت خودداری می کند، از این رو در قضایای مشمول این قاعده ها، برگزیدن قانون صالح بر عهده ی قاضی محول می باشد.

ب) اگر امکان اجرای قانونی که بر حسب قاعده ی تعارض قوانین تعیین می گردد، به جهت ممتنع شود، به جای آن، قاضی باید به جستجوی قانون دیگر برآید، که بر حسب معمول قانون محل دادگاه را بر می گزیند.

2. تعارض صلاحیتها:

موضوع تعارض صلاحیتها، در بر گیرنده مباحثی درباره ی صلاحیت دادگاههای داخلی، در رسیدگی به دعاوی تابع حقوق بین الملل خصوصی و آیین دادرسی آنها و اجرای احکام دادگاههای بیگانه یا اجرای اسناد لازم الاجرای تنظیم شده در کشورهای بیگانه می باشد.

3. وضعیت بیگانگان :

مباحث وضعیت بیگانگان برای توضیح این مطلب شکل گرفته اند که حقوق و تکالیف بیگانگان، در مقایسه با حقوق و تکالیف اتباع داخله چیست و حدود حق تمتع آنها چه می باشد. مبانی این مباحث را قوانین کشوری که حقوق بیگانه در آنجا مطرح است، تشکیل می دهند.

4. تابعیت:

✓ رابطه ی سیاسی و معنوی هر فرد با دولتی معین را مشخص می کند.

نک) میان تابعیت و تعارض قوانین از این جهت ارتباط است که در اسلوب تعارض قوانین بسیاری از کشورها، مانند ایران، عامل تابعیت به عنوان عامل تعیین کننده ی قانون حاکم بر احوال شخصیه، در نظر گرفته شده است، به این مناسبت این عامل در بسیاری از قضایای مشمول قاعده های تعارض قوانین، در تعیین قانون قابل اجرا موثر می باشد.

5. اقامتگاه :

✓ عبارت است از رابطه ای مادی و جغرافیایی که هر فرد را به سرزمین مشخص مربوط می کند.

نک) در صورت بی تابعیتی شخص، اقامتگاه او به عنوان بدل تابعیت می تواند تعیین کند ه ی قانون حاکم بر احوال شخص فرد، در نظر گرفته شود.

فصل دوم: تحولات تاریخی حقوق بین الملل خصوصی (نکات مهم)

1- شناخت حقوق بین الملل خصوصی به عنوان شاخه ای از حقوق به نیمه ی دوم قرن نوزدهم میلادی باز می گردد.

2- وضعیت بیگانگان در ایران، در ادوار حکومت‌های اسلامی: در حقوق اسلام بهره مند شدن از حقوق بستگی داشت به اینکه:

الف) شخص از پیروان مذاهب شناخته شده محسوب شوند.

ب) با حکومت اسلامی پیمانی به نام عقد ذمه یا جزیه منعقد سازند.

ج) نک) کسانی که جزء 2 گروه بالا نبودند، هیچ حقوقی نداشتند و کافر حربی تلقی می گردیدند.

3- عقد ذمه، میان اهل کتاب (زرتشتیان، مسیحیان - یهودیان) با حکومت اسلامی منعقد می گردید.

نک) جزیه بردو نوع است: سرانه وارضی، و در حالت اخیر بر آن خراج اطلاق می شده است.

نک) شرایط عقد ذمه را فقهای اسلام از ادله ی اربعه (مبادی تصدیقی فقه) استخراج می کرده اند.

نک) شرایط ضروری در عقد ذمه: الف) پذیرفتن پرداخت جزیه . ب) انجام ندادن کارهای منافی امنیت حکومت اسلامی، مانند عزم جنگ با مسلمانان.

4- مهادنه یا معاهده: امان و شبه امان:

الف) مهادنه (معاهده یا معاهده): هنگامی بوده است که دولت اسلامی با دولت متبوع بیگانگان پیمان صلح موقت منعقد می ساخته است.

نک) مدت مهادنه جز به صورت موقت نمی توانسته است باشد. مدت آن متفاوت ذکر شده است، چنانکه صاحب شرایع آن را میان چهار ماه و یک سال و صاحب شرح لمعه آن را تا ده سال جایز دانسته است.

ب) امان: آن بوده که دولت اسلامی یا یکی از مسلمانان با هر لفظ یا اشاره، بیگانه را مطمئن می ساخته که جان و مال او در سرزمین اسلامی در سلامت و در امان است، و در آن، مانند حالت مهادنه، نوع مذهب کافر موثر تلقی نمی گشته است.

نک) امان اختصاص به اهل کتاب یا در حکم اهل کتاب نداشته است.

ج) شبهه امان: این مورد نیز هنگامی بوده که بیگانه بر اثر مسموعات خود، یا بر اثر دوستی با مسلمانان، این پندار را می یافته که جان و مال او در سرزمین اسلامی محفوظ می باشد و با این گمان راهی این سرزمین می شده است. در این حالت نیز دولت اسلامی خود را موظف به حمایت از جان و مال او تا بازگشت وی یا بازگرداندن وی به مأمّن خود می دانسته است.

5- وضع حقوقی بیگانگان در دوران تسلط مغول و پس از آن: در این دوره اداره ی امور عمومی بیگانگان، تابع احکام و قواعد این حاکمیت یعنی یاسا بود.

6- وضعیت بیگانگان در دوران کاپیتولاسیون در ایران:

- تعریف کاپیتولاسیون:

کاپیتولاسیون در لغت به معنای معاهده یا پیمانی است که در آن دولتی می پذیرد، حقوق و مزایایی را در سرزمین تحت اقتدار خود محترم شمارد.

✓ کاپیتولاسیون از دید نظامی: معاهده ی تسلیم قلعه ای مستحکم یا ارتش به دشمن.

✓ کاپیتولاسیون از دید مجازی: ترک مقاومت در امر مورد تأیید و حمایت خود می باشد.

نک) در حقوق ایران از این لفظ «امتيازات قضایی اتباع خارجه در ایران» تعبیر گردیده است.

نک) پذیرش کاپیتولاسیون، به معنای چشم پوشی از حاکمیت و صلاحیت قوانین و دادگاههای محلی، درباره ی بخشی بزرگ از روابط بیگانگان، در کشور می باشد.

نک) کاپیتولاسیون استثنایی بر اصل سرزمینی بودن قانون و موافق اصل شخصی بودن آن در حد وسیع است.

نک) کاپیتولاسیون بر اثر شکست دولت ایران از قوای روسیه، در عهدنامه ی ترکمنچای، به ایران تحمیل شد.

فصل سوم: منابع حقوق بین الملل خصوصی

مبحث اول- منابع داخلی حقوق بین الملل خصوصی

1. در نظامهای حقوقی که پایه ی آنها بر حقوق نوشته استوار است، مانند نظام حقوقی ایران، به اقتضای آنکه عمده ترین منابع حقوقی را قانون تشکیل می دهد، نقش اساسی در تنظیم راه حلهای مسائل حقوق بین الملل خصوصی بر عهده ی خود قانونگذار می باشد و پس از قانون، رویه قضایی است.

2. در نظام های حقوقی عرفی ترتیب فوق بر عکس است.

نک) نخستین قانونی که طبق آن در ایران، گامهایی برای تنظیم قاعده های حقوق بین الملل خصوصی برداشته شده، جلد اول قانون مدنی، مصوب 18 اردیبهشت ماه سال 1307 شمسی است که تصویب آن، با سپری شدن مهلت الغای کاپیتولاسیون، هم زمان بوده است.

مبحث دوم - منابع بین المللی حقوق بین الملل خصوصی

1- عهدنامه های 2 جانبه یا چند جانبه سیاسی (مطمئن ترین منابع است)

2. عرفهای حقوق بین المللی (منبع ننوشته ی حقوق بین الملل خصوصی)

3. رویه های قضایی بین المللی (مثل رأی دیوان بین المللی دادگستری)

4. اصول کلی حقوقی

✓ انواع عهدنامه های حقوق بین الملل خصوصی:

الف) عهدنامه های دو جانبه: این عهدنامه ها سابقه نثرخی طولانی، شکلی ساده دارند ومقررات آنها نسبی است.
ب) عهدنامه های چند جانبه: شکل گیری این عهدنامه ها مشکل است، زیرا موافقت چند کشور نسبت به امری لازم است و مقررات آنها نسبی است.

فصل سوم: تابعیت: مبحث اول: مفهوم تابعیت

1- متمایز بودن تابعیت از ملیت:

الف) اصطلاح تابعیت دارای ارزش حقوقی و سیاسی است: رابطه ی فرد با دولت در مفهوم سیاسی

(ب) ملیت دارای ارزش جامعه شناسی است: تعلق فرد به دولت در مفهوم جامعه شناسی (نک) در حال حاضر در حقوق ایران، ملیت به معنی جامعه ای است که دارای هویتی مخصوص، متمایز از جامعه های دیگر، و دارای حاکمیت ملی مستقل است.

(نک) دارنده ی تابعیت مطیع صلاحیتهای دولت متبوع خود، در برابر دولتهای دیگر، می باشد.

2- عناصر رابطه ی تابعیت:

(الف) طرفین رابطه ی تابعیت: طرفین تبعه و دولت هستند.

(ب) تابعیت برای برخی از انواع اشیای متحرک مانند کشتیها و هواپیماها نیز ممکن است.

(ج) دولتی می تواند دهنده ی تابعیت باشد که بر آن تعریف دولت، بدان گونه که در حقوق بین الملل عمومی از آن تعریف میگردد، صادق باشد و خود در جامعه ی بین المللی به عنوان دولت شناخته شده باشد.

(نک) در کشورهای مرکب از ایالتهای خودمختار، مانند سوئیس، تابعیت افراد نسبت به دولت مرکزی، سنجیده می شود.

(د) اثبات وجود رابطه ی تابعیت میان فرد و دولتی معین، بر پایه ی قانونگذاری همان دولت است.

(ه) معادل تابعیت اشخاص حقیقی، برای اشخاص حقوقی نیز به لحاظ آنکه آنها را دارنده ی حقی تلقی می کنند، تابعیت شناخته شده است، ولی تعریف این تابعیت نمی تواند با تعریف تابعیت اشخاص حقیقی یکسان باشد.

مبحث دوم - منابع بین المللی تابعیت

1. اصل بین المللی آزادی دولتها در قانونگذاری برای تعیین اتباع خود:

این اصل، که آن را اصل آزادی دولتها در تعیین اتباع خود می نامند، در جامعه ی بین المللی دارای ارزش حقوقی مثبت می باشد، به این معنی که در دعاوی بین المللی، در برابر دولتهای دیگر قابل استناد است.

2. اصول بین المللی راهنما:

(الف) هر کس باید دارای تابعیت باشد: نفی بی تابعیتی (آپاترید)

(نک) به گفته پل لاگارد: بی تابعیتی نتیجه ی خصلت منحصرأ ملی قانونگذاری درباره ی تابعیت است و در عمل نتیجه ی عوامل گوناگون است، مانند: درخواست ترک تابعیت و موافقت دولت با آن و عدم توفیق در تحصیل تابعیت جدید.

(ب) نداشتن بیش از یک تابعیت، نفی دو تابعیتی: چنین اتباعی نمی توانند از حمایت سیاسی دولتهای متبوع خود در برابر یکدیگر بهره مند شوند. عامل اصلی اینکه کسی دارنده وصف تابعیت بشی از یک دولت می گردد، نبودن قاعده های الزام آور بین المللی در تقسیم درست اشخاص میان دولتها و محول شدن آن به قانونگذاریهای داخلی است.

✓ انواع طرق دستیابی به تابعیت:

نخست) قهری: مانند تولد شخص در کشوری سوای کشور متبوع پدر و مادر.

دوم) ارادی: مثلاً کسی با حفظ تابعیت پیشین خود، تابعیت کشور دیگر را بدست آورد.
 ج) حق تغییر تابعیت: امروزی تابعیت فرد نسبت به دولت، مانند گذشته مطلق نیست.
 ✓ طبق اعلامیه حقوق بشر:

نخست) هر کس حق دارد تابعیتی داشته باشد. دوم) کسی را نمی توان خود سرانه از تابعیتش یا حق تغییر تابعیت محروم کرد.

✓ هر ترک تابعیتی را نمی توان به معنای تغییر تابعیت دانست، زیرا ممکن است، ترک کننده ی تابعیت، نتواند به تابعیت دولت دیگر در آید و این عمل او سبب بی تابعیتی وی گردد.

✓ تغییر تابعیت ممکن است از اراده ی صریح خود تبعه ناشی گردد یا ناشی از عامل مانند ازواج میان زن و مرد دارای دو تابعیت جداگانه و تحمیل تابعیت مرد بر زن باشد و یا بر اثر عاملی قهری پیش آید، مانند جابه جا شدن حاکمیت دولت پیشین با حاکمیت دولتی دیگر بر سرزمینی که تبعه آن وابسته است، بر اثر جدا شدن آن سرزمین از قلمرو حاکمیت یک دولت و الحاق آن به قلمرو دولت دیگر، در پی پیشامد جنگ و عقد پیمان صلح یا حل اختلافات مرزی.

3. معیارهای تعیین تابعیتهای اصلی:

الف- خون: این معیار دارای قدمت بیشتری است. مثل کشور فرانسه.

ب) خاک: این معیار هنگامی توانست ارزش یابد که در مفهوم دولت دگرگونی هایی پدید آمد و ارزش سرزمین در تشکیل آن آشکار گردید. مثل کشور آمریکا

نک) قاعده های مبتنی بر معیار خاک می تواند در پیشگیری از بی تابعیتی کسانی که پدر و مادر آنها نامعلوم یا بدون تابعیت اند، موثر باشد.

نک) معیار خون از این جهت موثر است که میتواند تابعیت و ملیت اتباع را بیشتر بر هم انطباق بخشد.

مبحث سوم: ارتباط قاعده های تابعیت با رشته های گوناگون حقوق

✓ قاعده های تابعیت را از حیث آنکه تعیین کننده ی رابطه ی فرد با دولت اند باید از زمره ی قاعده های حقوق عمومی بشمار آورد و از حیث آنکه بر اثر آنها، اتباع از بیگانگان متمایز می گردند و در تعیین حقوق این دو دسته در برابر یکدیگر موثرند، باید آنها را از زمره ی قاعده های مربوط به حقوق خصوصی بشمار آورد. در نتیجه؛ در قواعد تابعیت اوصاف حقوق عمومی و حقوق خصوصی جمع است.

فصل چهارم: جریان شکل گرفتن قاعده های تابعیت در حقوق ایران

مبحث اول: تابعیت در ایران پیش از رواج نظام قانون گذاری

1-دوره ی عرفی بودن قاعده های تابعیت ایران:

در دوره ی عرفی، در تعیین تابعیت ایرانیان افزون بر تولد در خانواده ایرانی، اقامت در ایران نیز می توانستهدر تعیین تابعیت ایران ارزش داشته باشد.

2. عوامل موثر در اقدام به تنظیم قاعده های تابعیت:

الف) گسترش روابط بین المللی ایران و آگاهی ایران از تنظیم قاعده های تابعیت در کشورهای دیگر .
 ب) دشواریهای فزاینده که به لحاظ معلوم نبودن این قاعده ها در حقوق ایران، در روابط این کشورها با کشورهای دیگر، در حمایت از اتباع پدید می آمده است.

نک) نخستین متنی که در دوره ی عرفی، به صورت کم و بیش جامع، به تنظیم قاعده های تابعیت ایران مبادرت شده و در دست است، قانون نامه ی تابعیت می باشد. (324 قمری)

مبحث دوم- تابعیت ایران پس از تصویب قانون اساسی مشروطیت و متمم آن

1. در اصل 24 متمم قانون اساسی مشروطیت آمده بود: «اتباع خارجه می توانند قبول تابعیت ایران را بنمایند و قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت به موجب قانون جداگانه است.

2. تا سال 1308 هـ.ش: اجرای قانون نامه ی تابعیت ادامه یافت و در 31 شهریور ماه این سال، که قانون تابعیت مصوب مجلس شورای ملی، منتشر شد، جای خود را به این قانون سپرد.

3. عمده ترین تغییر بعدی در قانون تابعیت، به هنگام تدوین جلد دوم قانون مدنی در اشخاص، در سال 1313 هـ.ش، رخ داد، که قانونگذار مواد قانون تابعیت را، با همان نظم و با انجام دادن برخی اصلاحات در شماری از آنها بصورت کتاب دوم این جلد در قانون مدنی در نظر گرفت.

4. در قانون اساسی فعلی: تابعیت با آنکه در تعیین حقوق شخص نسبت به اموال غیر منقول موثر است ولی خود از حقوق مالی نیست.

نک) مواقعی که دولت می تواند تابعیت شخص را از او سلب کند:

نخست) در موردی که شخص تبعه ی کشور دیگری شود.

دوم- در مواقعی که خود شخص در خواست کند (ترک تابعیت)

5. تغییرات در تابعیت در سال 1361:

نخست) الغای کیفر سلب تابعیت (دوم) درباره ی تأثیر ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه در حقوق وی

نسبت به اموال غیر منقول در ایران بود که بموجب اصلاحات سال 61 قانون مدنی، زنهای ایرانی که بر اثر ازدواج، تابعیت خارجی را تحصیل می کنند، حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتیکه موجب سلطه ی اقتصادی خارجی گردد، ندارند.

فصل پنجم: قاعده های اسلوب کنونی تابعیت ایران

مبحث اول: تابعیتهای اصلی ایران

1. انواع تابعیتهای اصلی ایران:

الف) تابعیت کسی که پدر او ایرانی است: طبق بند 2 ماده 976 ق م «کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند، تبعه ی ایران محسوب می گردند.

ب) تابعیت کسانی که در ایران تولد یافته اند: انواع آنها:

نخست) کسانی که از پدر و مادر نامعلوم یا پدر و مادر بدون تابعیت در ایران متولد شده اند این گروه طبق قاعده ی تابعیت ناشی از سیستم خاک، تبعه ی ایران محسوب می شوند.

دوم) کسانی که از پدر و مادر بیگانه که یکی از آنها به نوبه ی خود در ایران تولد یافته است، متولد شداند. این گروه نیز تبعه ی ایران محسوب می شوند . این تابعیت نیز از تابعیتهای اصلی ایران بشمار می آید، و با تولد شخص آغاز می گردد.

✓ با اینکه در اسلوب تابعیت ایران، تابعیت مادر در تابعیت فرزند موثر شناخته نشده، ولی در بند فوق که برگرفته از ماده 976 ق.م. است ، بوی تولد مادر در ایران ارزش حقوقی شناخته شده است.

✓ در این بند از معیار خون و خاک استفاده شده است.

سوم) تابعیت ناشی از تولد در ایران به شرط اقامت لااقل یکسال دیگر پس از رسیدن به سن 18 سالگی.

نک) فرزندان مأموران سیاسی و کنسول خارجی از شمول این مقررات خارج هستند.

2. برای کسانی که در ایران متولد شده اند و پدر آنها تابعیت خارجی دارد، 2 حالت پیش می آید:

الف) پس از رسیدن به سن 18 سال تمام، از میان دو تابعیت ایرانی و خارجی خود، تابعیت منطبق با تابعیت خارجی پدر را برگزینند. نتیجه ی اعمال این اختیار، نفی تابعیت ایرانی آنها خواهد بود.

ب) اگر ظرف مهلت مقرر از این اختیار، استفاده نکنند، تابعیت ایرانی آنها، بدون نیاز به اقدامی دیگر، تثبیت شده محسوب می گردد.

3. کلیه ساکنان ایران، به استثنای اشخاصی که تابعیت خارجی آنها مسلم باشد، اتباع ایران محسوب می گردند.

نک) تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.

مبحث دوم- تابعیتهای اکتسابی ایران (انواع آن)

1. تحصیل تابعیت ایران: تحصیل تابعیت از سوی بیگانه با اقدام خود او، یعنی درخواست وی، آغاز و با موافقت دولت و صدور سند تابعیت به نام او، انجام می پذیرد.

✓ شرایط تحصیل تابعیت ایران:

الف) داشتن هجده سال تمام یا بیشتر.

ب) داشتن سکونت در ایران به مدت پنج سال تمام اعم از متوالی یا متناوب.

ج) فراری نبودن از خدمت نظام در کشور متبوع پیشین.

د) نداشتن محکومیت کیفری به ارتکاب جنحه یا جنایت غیر سهاسی در هیچ کشوری.

نک) درباره ی شرط سکونت در ایران، این سکونت باید قانونی و واقعی باشد، به گونه ای که بتوان گفت وی با جامعه ی ایران در آمیخته است.

نک) از شرط سکونت در ایران، چند دسته معاف شده اند:

الف) کسانی که برای خدمت به دولت ایران در خارجه اقامت داشته باشند، مدت این اقامت در حکم اقامت آنها در ایران تلقی می گردد.

ب) مردان بیگانه که دارای همسر ایرانی می باشند، به شرط داشتن فرزندان یکدیگر.

ج) کسانی که دارای مقامات عالی علمی یا متخصص در امور عامل المنفعه می باشند.

نک) گرفتن تصمیم نهایی درباره ی موافقت با درخواست تابعیت، با هیأت دولت است.

✓ اثر تحصیل تابعیت ایران در وضعیت حقوقی خود شخص:

طبق ماده ی 982 ق.م 1370، اشخاصی که تحصیل تابعیت ایران نموده یا بنمایند، از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می شوند ولیکن نمی توانند به یک سری از مقامات مانند ریاست جمهوری و ... نائل شوند. همچنین اشخاصی که تابعیت ایران را کسب می کنند حق تملیک و تملک اموال غیر منقول را دارند و باید به خدمت نظام وظیفه بروند و خدمت در کشور متبوع پیشین نمی تواند رافع این تکلیف در ایران گردد.

✓ اگر پدر خانواده ای تابعیت ایران را کسب کند، زن و اولاد او نیز تابعیت تحمیلی پیدا می کنند.

2- کسب تابعیت ایران بر اثر ازدواج:

الف) طبق ماده ی 976 ق.م: هر زن تبعه خارجی، که شوهر ایرانی اختیار کند، تبعه ی ایران محسوب می شود

ب) زنی که بر اثر ازدواج با مرد ایرانی دارای تابعیت ایران شده است، پس از جدا شدن از شوهر یا درگذشت شوهر، می تواند با دادن اطلاع به وزارت امور خارجه ایران، به تابعیت اول خود رجوع کند. اقدام برای بازگشت به آن تابعیت، اگر به لحاظ جدا شدن از شوهر باشد، از هنگام تحقق طلاق و اگر به لحاظ درگذشت شوهر باشد و از او فرزندی کمتر از 18 سال تمام نداشته باشد، پس از آن رخ داد، میسر است و اگر چنین فرزندی در میان باشد، مادام که آن فرزند به 18 سالگی تمام نرسیده است، این بازگشت امکان پذیر نیست.

نک: رجوع چنین زنی به تابعیت نخستین خود، به منزله ی از دست دادن تابعیت ایران است، به همین جهت در حقوق او نسبت به اموال غیر منقول واقع در ایران، خواه آن اموال را خود به دست آورده باشد و یا از طریق ارث به او رسیده باشد، تغییراتی حادث می گردد، به این ترتیب که او تنها می تواند در حدودی که برای اتباع خارجه در ایران مجاز شناخته شده از حقوق نسبت به این گونه اموال بهره مند باقی بماند و مکلف است مازاد بر آن را

ظرف یکسال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارث به نحوی از انحاء به اتباع ایران منتقل کند وگرنه ملک با نظارت دادستان به فروش می رسد و بهای آن پس از کسر هزینه هایی به او داده می شود.

مبحث سوم- از دست دادن تابعیت ایران

✓ جهات از دست دادن تابعیت ایران:

1. ترک تابعیت ایران: هرگاه شخصی تقاضای ترک تابعیت ایران را بنماید و وزارت امور خارجه علل مطرح شده از سوی درخواست کننده را موجه بداند، در خواست نامه ی او را به هیأت وزراء فرستد و اگر هیأت وزراء آن را تصویب کند، به صدور سند اجازه ی خروج در خواست کننده از تابعیت دولت ایران مبادرت می گردد. (نک) مرجع گرفتن و ارسال درخواست نامه ی ترک تابعیت در داخل کشور نیروی انتظامی و در خارج، مأموران سیاسی یا کنسولی ایران می باشند.

✓ شرایط ترک تابعیت:

الف- شخص درخواست کننده 28 سال سن داشته باشد.

ب) شخص باید خدمت نظام وظیفه را انجام داده باشد.

ج) در صورت پذیرفته شدن درخواست، شخص باید از ظرف مدت 3 ماه از کشور خارج شود.

✓ اثر ترک تابعیت ایران، از سوی مادر، در تابعیت فرزندان او: (شرایط آن)

در صورتی ترک تابعیت زن بر فرزندانش موثر است که:

الف) ترک کننده ی تابعیت ایران، زن بی شوهر باشد.

ب) فرزندان او به سن 18 سال تمام نرسیده و یا به جهات دیگر محجور و بدون پدر و جد پدری باشند.

ج) در اجازه ی هیأت وزراء به آن تصریح شده باشد.

2- از دست دادن تابعیت ایران بر اثر ازدواج با مرد بیگانه:

اصل، عدم تأثیر ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه در تابعیت زن است، ولی چنانچه قانون کشور متبوع شوهر، آن را ایجاب کند، تابعیت زن تغییر می یابد.

الف) زن در انتخاب تابعیت شوهر یا تابعیت ایرانی خود مختار است.

ب) برگزیدن تابعیت شوهر از طرف زن، مستلزم درخ و است وی از وزارت امور خارجه است و مرجع موافقت کننده با این درخواست، هیأت وزراء است.

✓ اثر از دست دادن تابعیت ایران، بر اثر ازدواج با مرد بیگانه، در حقوق مالی زن:

الف) در این صورت، به لحاظ آنکه زن نسبت به جامعه ی ایران، بیگانه تلقی می شود، در حقوق او نسبت ب ه اموال غیر منقول در ایران، به موجب قانون، محدودیت ایجاد می گردد.

ب) محدودیت فوق تنها زمانی ایجاد میگردد که تملک غیر منقول زن در ایران، موجب سلطه ی اقتصادی خارجی گردد.

ج) چنین شخصی، تکلیف خروج از ایران که درباره ی ترک کنندگان تابعیت ایران، در قانون پیش بینی گردیده، معاف گردیده اند.

3. سلب تابعیت ایران:

الف) در اصل چهل و یکم قانون اساسی، مربوط به دارندگان تابعیت اصلی ایران، به دولت اختیار داده شده است که بتواند تابعیت هر ایرانی را که به تابعیت کشور درآید، سلب کند. آنگونه که از این اصل بر می آید، اختیار دولت در سلب این تابعیت محدود به هنگامی است که ایرانی تابعیت کشور دیگر را به اراده ی خود به دست آورد، بنابراین اگر تابعیت دیگر وی از تابعیتهای اصلی باشد، دولت نمی تواند به استناد این اصل، در سلب تابعیت او اقدام کند.

ب) در اصل چهل و دوم قانون اساسی، مربوط به دارندگان تابعیت اکتسابی نیز به دولت اختیار داده شده است که درباره ی این گونه اشخاص مهم اگر «دولت تابعیت آنها را بپذیرد» در سلب تابعیت ایران از آنان اقدام کند.

ج) از دست دادن تابعیت به لحاظ قطع علائق از کشور متبوع: هنگامی که قانونگذار معیارهای تعیین کننده ی اتباع کشور خود را از میان واقعیتهای اجتماعی که نشانه های تعلق شخص به جامعه ی متعلق به آن کشور می باشند، بر می گزیند و آنها را مبنای وضع قاعده های خود در این زمینه قرار می دهد، هنگامی هم که همگی پیوندهای ضروری میان تبعه و دولت در آن کشور، در عمل از هم گسیخته می شود، هر چند هنوز دلالت قانون بر وجود پیوند تابعیت بر جا باشد، آن دولت به دشواری می تواند او را هم چنان از اتباع خود بشمار آورد.

نک) از دید حقوق داخلی، هنگامی که شرایط وجود پیوند تابعیت در قانون تعیین می گردند، شرایط قطع آن، یعنی شرایط از دست دادن تابعیت، نیز باید در قانون معین شده باشند.

نک) از دست دادن تابعیت به لحاظ قطع علائق از کشور متبوع باید به شکل قضایی و مسبوق بر رسیدگی قضایی باشد.

مبحث چهارم- بازگشت به تابعیت: (موارد بازگشت پذیر بودن تابعیت)

1- کسانی که به طور ارادی تابعیت ایران را ترک کرده اند، اگر دوباره درخواست تابعیت ایران را بنمایند و دولت ایران تابعیت آنها را صلاح بداند، تبعه ی ایران محسوب می شوند.

نک) در قاعده ی فوق، امکان بازگشت به تابعیت ایران، نه تنها برای خود ترک کننده ی ارادی این تابعیت شناخته شده، برای فرزندان بلافصل او هم این اختیار در نظر گرفته شده است، بنابراین دامنه ی شمول آن تا دو نسل می باشد.

نک) شرایط بازگشت به تابعیت:

الف) قانونی بودن عمل تبعه در تبدیل تابعیت ایرانی خود به تابعیت بیگانه

ب) درخواست وی از دولت

ج) مخالف مصلحت دانسته نشدن بازگشت وی به تابعیت ایران، از سوی دولت ایران.

2. بازگشت زن به تابعیت ایران در تحمیل تابعیت بیگانه بر اثر ازدواج با او: بعد از وفات شوهر یا جدایی زن از شوهر، به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه، به انضمام ورقه ی فوت شوهر و یا سند جدایی زن از شوهر، تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجع به آن به او تعلق خواهد گرفت.

نک) اگر تابعیت ایرانی پیشین زن، تابعیت اکتسابی باشد و او بخواهد به تابعیت ایران بازگردد، باید شرایط تحصیل تابعیت ایران را احراز نماید، زیرا وی مشمول قاعده ی فوق نیست.

فصل چهارم: دلایل و دعاوی تابعیت

مبحث اول: دلایل تابعیت

1- مراد از دلیل در تابعیت آن است که به استناد آن بتوان مدلل ساخت، آیا وصف تابعیت کشوری معین درباره ی شخصی که تابعیت او مطرح می باشد، صادق است یا نه.

2- دلایل تابعیت را می توان بر سه گونه دانست:

الف) دلایل تابعیت ایرانی شخص: عمده ترین دلایل تابعیت ایران، اسنادی می باشند که از سوی خود دولت، یعنی یک طرف رابطه ی تابعیت به حکم قانون با رعایت تشریفات تنظیم می گردند. اسناد فوق بر دو گونه اند:

نخست: اسنادی که از سوی وزارت امور خارجه تنظیم می گردد (سند تابعیت)

دوم: اسنادی که از سوی ثبت احوال تنظیم می گردد. (برگ ولادت، شناسنامه، کارت شناسایی)

ب) دلایل بیگانه بودن شخص نسبت به ایران: بیگانه بودن شخص نسبت به ایران به معنای آن است که هیچکدام از انواع تابعیتهای ایران را نتوان به او نسبت داد. چنین شخصی می تواند شخصی باشد که در گذشته از اتباع ایران بوده و با از دست دادن تابعیت، اینک دیگر جزء اتباع ایران به شمار نمی آید و یا آنکه وصف تابعیت ایران، هیچگاه درباره ی او مصداق نداشته است.

✓ برای اثبات بیگانه بودن دسته ی نخست، باید دلایلی که نشان دهنده ی از دست دادن تابعیت ایران از سوی آنها است ارائه داد. این دلائل عبارتند از: سند خروج از تابعیت ایران یا اخراج از این تابعیت که از طرف وزارت امور خارجه اعلام می گردد، ثبت می شود.

✓ درباره ی دسته ی دیگر یعنی بیگانگانی که هیچ گاه تابعیت ایران را نداشته اند، استدلال باید بگونه ای باشد که نشان دهد شرایط هیچ یک از انواع تابعیتهای ایران درباره ی شخص جمع نیست.

نک) بیگانه بودن کسی نسبت به ایران به معنای داشتن یا نداشتن تابعیت کشور دیگر نیست. بنابراین ممکن است وی در همان حال که نسبت به کشور ایران بیگانه است تابعیت کشور دیگر را هم نداشته و بی تابعیت باشد.

درباره ی این گونه کسان قانونگذار اجازه داده با تأیید وزارت امور خارجه، از سوی نیروی انتظامی، برگ گذر بیگانگان صدور یابد.

ج) دلالتی که نشان دهنده ی داشتن تابعیت کشور بیگانه اند: طبق بند 1 ماده 976 ق.م، تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.

✓ منظور از مدارک در این بند، مدارکی می باشند که از سوی دولت متبوع کسی که نسبت به ایران بیگانه می باشد، صدور یافته و در آنها وجود رابطه ی تابعیت میان او و آن دولت معلوم گردیده است. مثل گذرنامه، که در همه ی کشورها دارای شکل کم و بیش یکسان است.

✓ سؤال: در دعاوی تابعیت، دلیل بر عهده ی کدام طرف است؟ جواب: طبق قانون «کسانی که به پاره ای اسباب به صفت تابعیت ایران شناخته شده و در ادعای تابعیت خارجه هستند، تابعیت مدعا بها، خواه اصلیه باشد، خواه مکتسبه اثبات آن ادعا بر عهده ی خود آن اشخاص است و مادام که ادعای خود را موافق قانون ثابت نکرده اند، از جمله ی تبعه ی ایران محسوب می شوند.

نک) مرجع صالح برای تشخیص تابعیت، شورای تأمین شهرستان است.

مبحث دوم - دعاوی تابعیت

1- انواع دعاوی تابعیت:

دارنده ی تابعیت ممکن است، یا به عنوان خواهان یا به عنوان خوانده، به یکی از دو صورت :

الف) شخص با دولت: مثلاً شخص مدعی وجود رابطه ی تابعیت میان خود و دولت باشد و دولت منکر آن باشد.
ب) شخص با فردی دیگر: مانند آنکه در دعاوی خانوادگی میان زن و شوهر که قانون کشور متبوع شوهر بر آن حاکم باشد، مرد مدعی تابعیت ایران گردد و زن منکر آن گردد. در این حالت منشأ اختلاف، درباره ی تابعیت، حقوق خصوصی است با آنکه خود آن به حقوق عمومی مربوط می باشد.

2- مراجع صالح برای رسیدگی به دعاوی راجع به تابعیت:

الف) در مقام تسجیل صحت اعلامات راجع به واقعه ی ولادت کسی در تابعیت هرگاه تردید رخ دهد و مدارکی برای احراز تابعیت وی تسلیم نشود. شورای تأمین شهرستان مرجع رسیدگی است.

ب) در مورد ابطال شناسنامه های ایرانی کسانی که بیگانه می باشند و از شناسنامه ی ایرانی استفاده می کنند هیأتتهای حل اختلاف به عنوان مرجع صالح، در نظر گرفته شده اند.

نک) این صلاحیت بسته به آن است که استفاده از شناسنامه ی ایرانی، با داشتن تابعیت بیگانه، از سوی دارنده ی آن اعلام شده باشد.

نک) رأی هیأتتهای حل اختلاف قابل واخواهی در دادگاههای عمومی حقوقی محل اقامت خواهان است.

ج) دیگر دعاوی راجع به تابعیت، در صلاحیت دادگاههای عمومی حقوقی است.

نک) معیار تعیین صلاحیت محلی دادگاه در دعاوی تابعیت میان فرد و دولت، اقامتگاه کسی است که مسأله ی تابعیت او مطرح است (در ایران) و اگر وی در ایران دارای اقامتگاه نباشد، مرجع صالح باید بر اساس دیگر ضابطه های پیش بینی شده در قانون آیین دادرسی مدنی، تعیین گردد.

VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR

دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

Varamin_news@live.com

نک) در مواردی هم ممکن است نسبت به دعاوی تابعیت، دیوان عدالت اداری واجد صلاحیت باشد، و آن هنگامی است که تصمیمات مراجع اداری در اجرای وظایفی که به آنها درباره ی تابعیت محول گردیده، شکایتی در میان باشد.

3- مرجع صالح برای رسیدگی به دعوی طاری تابعیت:

اگر اختلاف تابعیت به جای آن که میان طرفین رابطه ی تابعیت، یعنی دولت و فرد باشد، میان دارنده ی تابعیت و فردی دیگر رخ دهد، دعوی طاری تابعیت شمرده میشود.

✓ درباره ی این گونه دعاوی نیز مرجع صالح همان دادگاههای عمومی می باشند.

نک) در اختلاف راجع به تابعیت میان افراد، دولت نیز باید طرف دعوی بشمار آید.

نک) دعوی راجع به تابعیت مربوط به حقوق عمومی است و امکان صلح یا انصراف از دعوی یا تسلیم به دعوی وجود ندارد.

4- اعتبار قضیه ی محکوم بها درباره ی احکام دادگاهها در خصوص تابعیت:

الف) احکام دادگاهها درباره ی تابعیت ایران دارای ارزش مطلق است.

ب) احکام دادگاهها درباره ی تابعیت خارجی دارای وضعی دیگر است همانگونه که حکم دادگاههای خارجی درباره ی تابعیت ایران نمی تواند علیه دولت ایران قابل استناد باشد، احکام دادگاههای ایران نیز درباره ی تابعیت خارجی نمی تواند علیه دولتی که تابعیت شخص نسبت به او مطرح است، قابل استناد تلقی گردد.

فصل پنجم: اقامتگاه

✓ اقامتگاه به معنای جایگاه حقوقی شخص در یک کشور، از مفاهیم حقوقی مشترک در حقوق داخلی و حقوق بین المللی است.

مبحث اول: سابقه ی تاریخی اقامتگاه

در حقوق گذشته ی ایران درباره ی تعریف اقامتگاه و قاعده های حاکم بر آن پیشینه ای دیده نمی شویم این حال در همان روزگاران، این ارزش حقوقی بین المللی برای اقامتگاه اتباع ای ران وجود داشته که دولت ایران در صورت بروز اختلاف درباره ی تابعیت مهاجران ایرانی به سابقه ی اقامت آنان و اجداد آنان در ایران، استناد می شده است.

نک) از عامل اقامتگاه در قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی سال 1290 هـ.ش، به عنوان معیاری در تعیین صلاحیتهای محلی دادگاهها نام برده شده است.

نک) در ماده 591 قانون تجارت 1311، اقامتگاه اشخاص حقوقی به عنوان معیار تعیین تابعیت ایران گونه اشخاص در نظر گرفته شد.

نک) در تصویب کتاب چهارم از جلد دوم قانون مدنی مصوب 1313، ضمن تجدید تعریف اقامتگاه اشخاص حقوقی و تعریف مجدد اقامتگاه اشخاص حقیقی، به تعیین انواع اقامتگاهها اعم از: اختیاری، تبعی قراردادی و شماری از قاعده های حاکم بر آنها مبادرت شد.

مبحث دوم - اقامتگاه و نظم بین المللی

✓ نقش اقامتگاه در تعیین صلاحیتهای قضایی و قانونگذاری در جامعه ی بین المللی.

1- نقش اقامتگاه در تعیین صلاحیتهای قضایی:

بر حسب قاعده ای مشترک میان حقوق داخلی و حقوق بین المللی، دعاوی باید در دادگاهی اقامه شوند که خوانده در حوزه ی آن اقامتگاه دارد.

✓ در حقوق بین الملل خصوصی، اگر خوانده در ایران دارای اقامتگاه نباشد، خواهان می تواند دعوی خود را به ترتیب: در دادگاه محل سکونت موقت وی و در صورت نبودن آن هم، در دادگاه اقامتگاه خود اقامه کند.

2- تأثیر عامل اقامتگاه در تعیین صلاحیتهای قانونگذاری:

✓ تأثیر این عامل در زمینه ی صلاحیتهای قانونگذاری، یعنی به عنوان عاملی در تعیین قانون حاکم بر اختلاف در دعاوی بین المللی، به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم قابل مشاهده است.

الف) به صورت مستقیم هنگامی است که قانونگذار عامل اقامتگاه را به عنوان جهت ربط برای یافتن قانون حاکم بر اختلاف در نظر گرفته باشد (مانند در نظر گرفته شدن قانون اقامتگاه درباره ی دعاوی راجع به احوال شخصیه در نظامهای حقوقی انگلستان و سویس).

ب) بصورت غیر مستقیم بدین نحو که این عامل، سبب احراز صلاحیت دادگاه در دعاوی بین المللی شده باشد و بر اثر آن، این نتیجه حاصل گردد که قانون حاکم بر قضیه نیز مشخص شود. و چون هر دادگاه برای یافتن قانون حاکم بر دعاوی بین المللی، قاعده های تعارض قوانین کشور خود را ملاک قرار می دهد، با احراز صلاحیت دادگاه بر اثر عوامل اقامتگاه، این نکته نیز معلوم میگردد که قاعده های تعارض قوانین کدام کشور برای تعیین قانون حاکم بر دعوی دارای صلاحیت است.

مبحث سوم- اصول مشترک در اقامتگاه و تابعیت

1- ضرورت بهره مند بودن هر کس از یک اقامتگاه همانند تابعیت:

در عمل کسانی یافت می شوند که نمی توان اقامتگاه آنان را مشخص ساخت همچنان که افرادی را می توان یافت که دارای تابعیت نیستند. در اقامتگاه مانند تابعیت، امکان آنکه کسی اقامتگاه پیشین خود را ترک کند، بدون آنکه

اقامتگاهی دیگر اختیار نماید، وجود دارد. با این وصف این تفاوت از حیث ترک اقامتگاه مشاهده می گردد که فرض بقای اقامتگاه پیشین درباره ی شخص جانش است و حال آنکه امکان چنین فرضی درباره ی تابعیت نیست.

2- جایز نبودن داشتن بیش از یک اقامتگاه و تابعیت:

بیان اینکه کسی نباید بیش از یک اقامتگاه داشته باشد، ناشی از این ضرورت است که داشتن دو یا چند اقامتگاه نه تنها باعث آشفتگی و پراکندگی قضایای مربوط به اقامتگاه شخص می گردد، در روابط بین المللی نیز این امر، مانند داشتن دو یا چند تابعیت، سبب برخورد احتمالی میان قوانین کشورهایایی که آن اقامتگاهها به آنها مربوط اند می شود. از این رو در شماری از کشورها مانند ایران و سوئیس، با وضع قاعده هایی داشتن بیش از یک اقامتگاه ممنوع گردیده است با این حال برخی کشورها مانند آلمان از وضع چنین قاعده ای خودداری کرده و راه را برای بهره مند بودن از دو یا چند اقامتگاه بازگذاشته اند.

نک) همانگونه که اصل جانش نبودن بیش از یک تابعیت نتوانسته مانع بروز حالت دو تابعیتی گردد، وضع این قاعده ها نیز مانع داشتن بیش از یک اقامتگاه نشده است.

3- قابل تغییر بودن اقامتگاه و تابعیت:

الف) در تغییر تابعیت موافقت دولت لازم است.

ب) در تغییر اقامتگاه موافقت دولت لازم نیست.

نک) اگر تابعیت اشخاص حقوقی قابل تغییر باشد اقامتگاه آنها نیز قابل تغییر است و اگر اشخاص حقوقی قابل تغییر نباشد، اقامتگاه آنها نیز قابل تغییر نیست.

مبحث چهارم - عناصر اقامتگاه

«تعریف اقامتگاه (ماده ی 1002 ق.م.)

«اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد. اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او اقامتگاه محسوب است»

1- عنصر مادی اقامتگاه و رابطه ی آن با مسکن:

در تعریف قانون مدنی ایران از عنصر مادی اقامتگاه به روشنی نام برده شده و آن مسکن شخص است، به شرط آنکه مرکز مهم کارهای او نیز در همانجا باشد و اگر این دو جا از یکدیگر جدا باشند، مرکز کارهای او تشکیل دهنده ی این عنصر تلقی می شود.

نک) از تفاوت های کنونی مسکن و اقامتگاه آن است که مسکن می تواند متعدد باشد و حال آنکه اقامتگاه، بنابر قاعده نباید بیش از یک جا باشد.

نک) با در نظر گرفتن ارتباط عمیق میان شخص با اقامتگاه، هرگله کسی از اقامتگاه خود غیبت کند هر چند غیبت او نامحدود و طولانی باشد، مادام که وی قصد بازگشت به آنجا را از دست نداده، رابطه ی او با اقامتگاهش همچنان محفوظ است.

2- عنصر قصد در اقامتگاه: در قانون مدنی ایران، برخلاف قانون سوئیس، در تعریف اقامتگاه از قصد نام برده نشده و این عنصر در آن مستقر است.

✓ احراز قصد در اقامتگاه از این جهت دارای ارزش است که اگر دارنده ی آن از آنجا غیبت کند همواره این فرض وجود دارد که وی باز به همانجا باز گردد. اگر در اقامتگاه ثبات و استمرار دیده می شود، این وضعیت ناشی از قصد دارنده آن است.

✓ اگر در اقامتگاههای اختیاری و قراردادی عنصر قصد دیده می شود، در انواع اقامتگاه های تبعی، مانند: اقامتگاه زن شوهر دار یا اقامتگاه صغیر، نمی توان قائل به وجود این عنصر از سوی دارنده ی آن گردید.

(نک) قاعده های قانونی اقامتگاه در حقوق داخلی و حقوق بین المللی در ایران یکسان است.

(نک) ارزش اقامتگاه در حقوق بین المللی بسی گسترده تر و بیشتر از ارزش آن در حقوق داخلی می باشد. و به لحاظ شباهت آن با تابعیت، مانند آن می تواند به عنوان جهت ربط در تعیین قانون حاکم موثر باشد.

فصل ششم: اقامتگاه اشخاص حقیقی در حقوق مثبت ایران

مبحث اول: انواع اقامتگاه ها

1- اقامتگاههای ارادی: (اقامتگاه عام)

الف) اقامتگاه اختیاری: این نوع اقامتگاه مفهوم واقعی اقامتگاه را تشکیل می دهد و دارنده ی آن در ایجاد و استقرار آن در یک محل و تغییر آن از آن محل به محل دیگر دارای آزادی عمل می باشد.

✓ از پیچیدگیهای این نوع اقامتگاه، برتر شمرده شدن مرکز مهم کارهای شخص بر مسکن او می باشد.

✓ اقامتگاه اختیاری کسی ممکن است بر اثر عاملی از میان برود، در این صورت اگر اقامتگاه جدید، برای وی استصحاب کرد.

ب) اقامتگاه قراردادی: اقامتگاه قراردادی را باید اقامتگاه خاص، یعنی اقامتگاه راجع به قراردادی معین تلقی کرد.

✓ اقامتگاه قراردادی ممکن است ضمن معامله و یا در قرارداد ی جداگانه تعیین شده باشد. تعیین این اقامتگاه ممکن است برای اجرای تعهدهای حاصله از معامله ای و یا برای ابلاغ اوراق دعوی و ابلاغ و احضار باشد.

✓ تغییر این اقامتگاه از تغییر اقامتگاه اختیاری از این حیث متفاوت است که درباره ی آن اراده ی دارنده ی آن به تنهایی کافی نیست، و باید طرف دیگر قرار داد از آن مطلع گردد و در مواردی نیز با آن موافق باشد.

2- اقامتگاههای قانونی یا تبعی:

در این گونه اقامتگاه ها، برخلاف اقامتگاههای ارادی، دارنده ی آنها در ایجاد آن ها نقشی ندارد.

الف- اقامتگاه صغیر و محجور: اقامتگاه صغیر و محجور، به اقتضای مورد، اقامتگاه ولی یا اقامتگاه قیم می باشد و تغییر این اقامتگاه تا رفع حجر یا صغر، ادامه می یابد.

ب) اقامتگاه زن شوهر دار: در حقوق ایران، افزون بر اصل وحدت تابعیت زن و شوهر، وحدت اقامتگاه آنان در خانواده نیز پذیرفته شده است. با این حال، درباره ی اقامتگاه، این اختیار برای زن شناخته شده است که در مواردی، یا بر اثر اجازه ی شوهر، یا بر اثر اجازه ی دادگاه، دارای اقامتگاهی جدا از اقامتگاه شوهر باشد. نک) اگر زن و شوهر در یک روز علیه یکدیگر به طرح دادخواست مبادرت کنند، دادگاه محل اقامت زن و اگر یکی از آن دو در خارج از کشور مقیم باشد، دادگاه محل اقامت آن طرف که در ایران مقیم است و اگر هر دو خارج از کشور باشند، دادگاه شهرستان تهران دارای صلاحیت است.

ج) اقامتگاه کسانی که نزد دیگری کار یا خدمت می کنند طبق ماده ی 1009 ق.م: اقامتگاه کسی که کبیر است و به طور معمول نزد دیگری کار یا خدمت می کند و در منزل او ساکن می باشد، اقامتگاه کارفرما یا مخدوم وی فرض شده است.

نک) این قاعده را حقوق بین الملل دارای ارزش محدود دانسته اند.

د) اقامتگاه مأموران دولت: طبق ماده ی 1007 ق.م ایران، اقامتگاه مأموران دولت، محل مأموریت ثابت آنها شناخته شده است.

✓ عنصر لازم در این اقامتگاه، داشتن مأموریت ثابت در محل معین می باشد.

✓ ارزش این اقامتگاه در حقوق بین المللی هنگامی آشکار می شود که مأموران دولت ایران به خارج یا مأموران دولتهای خارجی به ایران گسیل گردند و در مأموریت آنها قید مدت نشده باشد و نتوان آن را موقت دانست.

3- اقامتگاه اصلی در حقوق ایران:

در قانون مدنی ایران، از اقامتگاه اصلی نامی برده نشده است.

✓ از نظر دکتر محمد نصیری، هر فردی به محض تولد بایستی دارای اقامتگاه معینی باشد، یعنی همانطور که شخص در آغاز زندگی تابعیت کشور معینی را دارد، همانطور باید در موقع تولد، به یک محل معین تعلق داشته باشد.

مبحث دوم- منع داشتن بیش از یک اقامتگاه و شرایط آن در حقوق ایران

1- طبق ماده 1003 ق.م ایران، هیچ کس نمی تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.

✓ ممنوع بودن داشتن بیش از یک اقامتگاه، شامل اقامتگاههای اختیاری و قانونی می شود و به تصریح ماده ی 1010 ق.م، شامل اقامتگاههای قراردادی نمی شود، از این رو هر کس می تواند افزون بر اقامتگاه اختیاری خود، دارای یک یا چند اقامتگاه قراردادی باشد.

2- شرایط تغییر اقامتگاه:

✓ به موجب ماده ی 1004 ق.م، تغییر اقامتگاه به وسیله ی سکونت حقیقی در محل دیگر به عمل می آید، مشروط بر اینکه مرکز مهم امور او نیز به همان محل انتقال یافته باشد.

✓ تغییر اقامتگاه از یک محل به محل دیگر، به سه صورت می تواند باشد:

الف) تغییر اقامتگاه داخل یک حوزه

ب) تغییر اقامتگاه از یک حوزه به حوزه ی دیگر، در داخل یک کشور.

ج) تغییر اقامتگاه از یک کشور به کشوری دیگر.

نک) اگر کسی مرکز کارهای خود را در ایران حفظ کرده و محل سکونت خانوادگی خود را به کشور دیگر منتقل ساخته باشد اقامتگاه چنین شخصی ایران است.

فصل هفتم: اقامتگاه اشخاص حقوقی در حقوق مثبت ایران

مقدمه: طبق ماده ی 588 قانون تجارت: «شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است، مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد، مانند حقوق و وظایف ابوت، نبوت و امثال ذلک.

✓ شخص حقوقی که هستی آن، هستی قراردادی و قانونی است، به اقتضای حقوق و تکالیفی که درباره ی او می توان قائل باشد، ناگزیر مانند افراد باید دارای اقامتگاه باشد. اقامتگاه این گونه اشخاص، ب حسب معمول در اسناد تأسیس آنها مانند اساسنامه پیش بینی می شود.

1- تعریف اقامتگاه اشخاص حقوقی :

✓ طبق قسمت اخیر ماده 1002 قانون مدنی «اقامتگاه اشخاص حقوقی، مرکز عملیات آنهاست.»

✓ طبق ماده 590 قانون تجارت اقامتگاه شخص حقوقی، محلی است که اداره ی شخص حقوقی در آن جاست.

نک) در حقوق امروز ایران، اقامتگاه اشخاص حقوقی، مرکز عملیات آنهاست.

2- رابطه ی تابعیت شخص حقوقی با اقامتگاه او:

تابعیت و اقامتگاه اشخاص حقوقی می توانند به یکدیگر وابسته باشند و اقامتگاه آنها تعیین کننده ی تابعیت آنها باشد.

طبق ماده ی 591 قانون تجارت «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است»

3- انواع اقامتگاههای اشخاص حقوقی:

الف- اقامتگاه معمولی ب) اقامتگاه قرار دادی

نک) اقامتگاه قراردادی میان اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی مشترک و احکام آن میان آنها یکسان است.

نک) شخص حقوقی می تواند، بدون آنکه از قاعده مجاز نبودن بیش از یک اقامتگاه سرپیچی کرده باشد، افزون بر اقامتگاه معمولی خود، دارای یک یا چند اقامتگاه قراردادی باشد.

نک) هر شخص حقوقی، به اقتضای نوع و به تناسب گستردگی فعالیتهاى خود ممکن است دارای شعبه های دور

از یکدیگر در ناحیه های مختلف کشور یا خارج از کشور باشد. در این حالت به لحاظ آنکه همگی آن شعبه ها

اجزای یک کل، یعنی اجزای همان شخص حقوقی را تشکیل می دهند، اقامتگاه همگی آن شعبه ها یکی و همان اقامتگاه خود شخص حقوقی می باشد.

✓ طبق قانون ایران، اگر شرکتی دارای شعب متعدد، در جاهای مختلف باشد، دعاوی ناشیه از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه ی طرف معامله در آن واقع است اقامه شود مگر آنکه شعبه نامبرده، بر چیده شده باشد که در این صورت دعاوی نامبرده نیز در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.

فصل هشتم: وضعیت بیگانگان: «کلیات»

1- در دوران کنونی قوه ی قانونگذاری هر کشور، گذشته از وضع قاعده های حاکم بر روابط حقوق اتباع آن کشور با یکدیگر و با دولت، تنظیم قاعده های حاکم بر روابط با اتباع بیگانه را نیز در قلمرو خود، از یک جهت حق و از جهت دیگر تکلیف خود می شمارد.

2- منابع داخلی و بین المللی حقوق بیگانگان در ایران:

هم زمان با پدید آمدن نظام قانونگذاری در ایران، در دورانی که هنوز اسلوب کاپیتولاسیون بر چیده نشده بود، مبانی اسلوب کنونی وضعیت بیگانگان در ایران ریخته شد.

نخستین برجسته در این زمینه، اصل ششم متمم قانون اساسی مشروط به این ع بارت بود: «جان و مال اتباع خارجه مقیم خاک ایران، مأمون و محفوظ است مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثناء می کند.» از آن به بعد، تاهنگام تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تغییر عمده و اساسی در حقوق بیگانگان در ایران داده نشد.

✓ طبق اصل چهاردهم قانون اساسی «دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان، با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت نمایند اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران، توطئه و اقدام نکنند.

3- شرط رفتار متقابل:

این شرط، خواه در عهدنامه و یا در قانون راجع به حقوق اتباع بیگانه قید شده باشد، به معنای آن است که برخوردار بودن بیگانه از حقوق در زمینه ی معین در قلمرو یک دولت، بسته به آن است که در قلمرو دولت متبوع وی نیز برای اتباع آن دولت، همان حقوق شناخته شده باشد.

✓ در صورت وجود شرط متقابل، برای آن که برخوردار بودن بیگانه ای از حقوق معین در ایران تحقق یابد، لازم است، افزون بر ملاحظه ی آن حقوق در عهدنامه یا در قانون، این موضوع نیز محرز شود که در کشور متبوع وی نیز همان حقوق درباره ی اتباع ایران در نظر گرفته می شود.

نک) این شرط اگر در عهدنامه آمده باشد، آن را شرط رفتار متقابل سیاسی می نامند و دامنه ی شمول آن محدود به بیگانگانی می گردد که با دولت متبوع آنها این گونه شرط گردیده، و اگر در قانون پیش بینی شده باشد، آن را شرط رفتار متقابل قانونی می نامند و دامنه ی شمول آن نسبت به عموم بیگانگان گسترده است.

4- شرط دولت کامله الوداد:

هر دولت مایل است، اتباع او در قلمرو دولت دیگر از حقوق کافی، خاصه در زمینه ی تجارت برخوردار باشند، تا بتوانند با دیگر بازرگانان بیگانه در آن سرزمین رقابت کنند، از این رو هنگامی که دولتی می بیند، دولتی دیگر در سرزمین خود برای اتباع دولتهای ثالث، حقوقی بیش از حقوق اتباع او شناخته یا ممکن است، بشناسد و در ضمن روابط خود را با آن دولت حسنه احساس می کند، برای آنکه اتباع خود را نیز از آن حقوق بهره مند سازد، در عهدنامه های خود با آن دولت، این شرط را قائل می گردد که اگر آن دولت در عهدنامه های خود با دولتهای دیگر، برای اتباع آن دولتها حقوقی بیش از حقوق دیگر بیگانگان در سرزمین خود شناخته باشد یا در آینده بشناسد، آن حقوق به اتباع این دولت نیز تعلق گیرد. این شرط را شرط دول کامله الوداد می گویند.

نک) محل پیش بینی این شرط، بر حسب معمول، عهدنامه های دولتی، تجاری یا گمرکی است.

نک) شرط دول کامله الوداد ممکن است با شرط رفتار متقابل همراه باشد. در این حالت آن را شرط دول کامله الوداد مشروط می نامند.

فصل نهم - وضعیت اشخاص حقیقی بیگانه در حقوق مثبت ایران

✓ روابط حقوقی اشخاص بیگانه در ایران، دارای صور گوناگون و در سطح مختلف است برجستهرین این رابطه ها را روابط آنان با دولت تشکیل می دهد.

مبحث اول- مقررات اداری درباره ی ورود و اقامت و کار اتباع بیگانه در ایران

1- شرایط ورود اتباع بیگانه به ایران، در قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب 1310 و اصلاحات بعدی آن، تعیین شده است.

✓ در دوران کنونی که هدف دولتها تسهیل رفت و آمدهای بین المللی و تأمین شرایط لازم برای حفظ و گسترش این گونه رفت و آمدها است، هر دولت در کشورهای دیگر مأمورانی را می گمارد که به نمایندگی از دولت متبوع خود، اجازه ی ورود به قلمرو آن دولت را برای درخواست کنندگان آن صادر کنند.

✓ اجازه ی ورود به ایران، که به آن رو ادید (ونرا) گفته می شود، بر روی گذرنامه (پاسپورت)، یا اوراق شهادتنامه های هویت، که از سوی دولت متبوع درخواست کننده ی روادید صدور یافته، ثبت می گردد.

نک) گذرنامه سندی است بین المللی، که در آن، دو دولت، یعنی دولتمتبوع شخص و دولت حاکم بر سرزمینی که مقصد مسافرت او می باشد، درباره ی جمع بودن شرایط لازم برای مسافرت وی، توافق به عمل می آورند.

نک) دادن روادید بسته به احراز چند شرط است:

الف) نبودن تردید در درستی مدارک و اوراق ارائه شده از سوی درخواست کننده.

ب) ایرانی نبودن درخواست کننده ی روادید.

ج) مغایر نبودن حضور شخص در ایران، با امنیت کشور یا نظم عمومی و یا مصالح کشور.

د) نداشتن سابقه ی محکومیت کیفری، در ایران یا هر کشور دیگر.

ه) نداشتن سابقه ی اخراج از ایران.

و) مضر نبودن حضور وی در ایران برای بهداشت همگانی و عفت عمومی.

نک) درباره ی بیگانگانی که به لحاظ نداشتن تابعیت یا به جهاتی دیگر مانند پناهندگی، بدون گذرنامه می باشند، قانونگذار اجازه داده است از سوی نیروی انتظامی با موافقت وزارت اطلاعات و تأیید وزارت امور خارجه، برگ گذر بیگانگان صدور یابد. مدت اعتبار این برگ برای مراجعت به ایران از تاریخ صدور، یکسال است و دارنده ی آن برای هر بار خروج از کشور باید تحصیل اجازه نماید.

2- با توجه به قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه، مأموران ایران در دادن روادید ورود به ایران از آزادی عمل برخوردارند و این بسته به حسن تشخیص خود آنهاست.

3- رویداد عبور از ایران:

روادید عبور از ایران هنگامی است که بیگانه نمی خواهد در ایران توقف کند.

✓ این روادید ممکن است توسط نمایندگان ایران د خارجه یا توسط مأموران مجاز مرزی صادر گردد.

✓ صدور روادید عبور از ایران، در رابطه با افرادی موكول به اجازه ی وزارت امور خارجه می باشد:

الف) افراد بدون تابعیت یا دارای برگ گذر خارجی

ب) اتباع دولتهای تعیین شده از سوی وزارت امور خارجه

نک) مدت این رویداد، پانزده روز می باشد و مدت آن در صورت اقتضاء قابل تمدید است.

4- رویداد خروج بیگانگان از کشور، رویداد رفت و برگشت:

خروج بیگانگان از کشور، بسته به صدور اجازه از سوی مأموران نیروی انتظامی محل اقامت موقت یا دائم آنهاست.

هرگاه مدت توقف بیگانه در ایران از نود روز متجاوز نباشد، نیاز به صدور رویدادخروج برای او نیست و تکمیل و تسلیم اعلامیه خروجی به مأموران گمرک درمرز خروجی از سوی او کافی است.

✓ درباره ی بیگانگانی که دارای پروانه ی اقامت معتبر در ایران می باشند و قصد رفت و برگشت دارنمأموران مجاز نیروی انتظامی می توانند با رعایت مقررات، به صدور روادید رفت و برگشت مبادرت کنند این روادید برای یک بار رفت و برگشت معتبر است و مدت آن برای خروج از مرز یک ماه و قابل تمدید است و مدت اعتبار آن از تاریخ خروج از مرز، سه ماه می باشد.

5- پروانه اقامت موقت بیگانه در ایران:

بیگانه ای که دارای رویداد به ایران می باشد، با آن که افزون بر حق ورود به ایران، حق دارد نود روز در ایران اقامت کند، مکلف است پس از ورود به ایران، ظرف هشت روز، مدارک خود را تکمیل و خود یا نماینده ی وی برای تحصیل پروانه اقامت موقت در ایران به نیروی انتظامی محل مراجعه کند.

6- پروانه اقامت دائم بیگانه در ایران:

چنانچه بیگانه در ایران اقامتگاه قانونی، یعنی اقامتگاهی که در قانون ایران از آن تعریف گردیده است، اختیار کند، اقامت وی در ایران اقامت دائم به شمار می آید. درخواست کننده ی اقامت دائم باید دارای سن بیش از 18 سال تمام باشد.

✓ مدت اقامت در ایران برای صدور پروانه دائم برای بیگانگان، پنج سال است.

✓ پروانه اقامت دائم، هر سه سال باید تجدید شود.

◀ پروانه کار بیگانگان:

مقررات مربوط به کار بیگانگان در ایران در قانون جدید کار مصوب 1369 مجمع تشخیص مصلحت نظام، پیش بینی شده است. به موجب این قانون، اشتغال هر بیگانه به کار در ایران، منوط به دریافت پروانه کار از وزارت کار و امور اجتماعی از سوی اوست، مگر آنکه قانون او را از دریافت پروانه معاف کرده باشد.

✓ بیگانگان معاف شده از دریافت پروانه عبارتند از:

الف) مأموران خدمات دیپلماتیک و کنسولی، با تأیید وزارت امور خارجه

ب) کارکنان و کارشناسان سازمان ملل متحد و سازمانهای وابسته به آن با تأیید وزارت امور خارجه

ج) خبرنگاران خبرگزاریها و مطبوعات خارجی به شرط معامله ی متقابل و تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

✓ پروانه کار بیگانگان از حیث مدت بر دو گونه است:

الف) پروانه کار به مدت حداکثر یک سال که قابل تمدید یا تجدید است.

ب) پروانه کار به مدت حداکثر یک سال که قابل تمدید یا تجدید است.

ب) پروانه کار موقت که مدت آن حداکثر سه ماه می باشد و به طور استثنایی و در صورتی که مصلحت صنایع کشور ایجاب کند، به پیشنهاد وزیر مربوطه صدور می یابد.

✓ بیگانه مکلف است، هنگامی که رابطه ی استخدامی او با کارفرما قطع می شود، ظرف مدت 15 روز پروانه کار خود را در برابر اخذ رسید به وزارت کار و امور اجتماعی تسلیم کند.

8- الغای اجازه ی عبور یا اجازه ی توقف بیگانه و اخراج او از ایران، تغییر محل توقف بیگانه در ایران:

✓ لغو اجازه ی عبور یا توقف بیگانه، هنگامی مجاز است که پس از آمدن وی به ایران، معلوم گردد یکی از موانع پیش بینی شده در قانون که وجود آنها مانع صدور روادید برای بیگانگان می گردد، هنگام صدور روادید برای او وجود داشته و مأمور از وجود آن بی اطلاع مانده یا آن مانع پس از آن پدید آمده است.

✓ طبق قانون اخراج بیگانه از کشور تحت شرایطی مجاز شمرده شده است و هرگاه تصمیم به اخراج بیگانه ای از کشور گرفته می شود، باید علت آن ضمن ابلاغ دستور اخراج، به او اعلام گردد.

9- دستور اخراج بیگانه از کشور قابل واخواهی است و بیگانه می تواند ظرف پانزده روز از تاریخ رویت

اخطاریه اخراج، درخواست رسیدگی از وزارت کشور را بنماید.

✓ درخواست تجدید نظر نسبت به دستور اخراج، موجب تعویق اجرای آن می گردد.

✓ اجرای تصمیم اخراج بیگانه به عهده ی نیروی انتظامی است.

10- بیگانگانی که از شمول قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران، خارج می باشند:

الف) دارندگان مصونیت سیاسی

ب) مأموران کنسولی دولتهای بیگانه و افراد خانواده آنها

ج) کسانی که از سوی دولت متبوع خود با موافقت دولت ایران، برای ایفای مأموریتهای معینی به ایران می آیند

مبحث دوم - وضعیت اشخاص حقیقی بیگانه از حیث حقوق خصوصی و حقوق عملی در ایران

1- در رابطه با بیگانگان، حق تمتع آنان از حقوق خصوصی در ایران، اصل و حق تمتع از حقوق عمومی استثناست.

2- بیگانگان از حق عینی نسبت به اموال غیر منقول در ایران محروم هستند ولی مجاز به تملک اراضی برای محل سکونت یا کسب یا صنعت هستند این محدودیت تنها شامل تملک اموال غیر منقول نیست بلکه شامل هرگونه حقوق عینی دیگر که ممکن است منتهی به تملک آنها گردد، مانند حق رهن، می گردد.

3- بیگانگان در ایران از همه ی حقوق راجع به احوال شخص برخوردارنمگر آنچه در قانون کشور متبوع آنان پذیرفته نشده است.

4- بیگانگان از استخدام شدن به امور دولتی محروم هستند مگر با اجازه ی قانونگذار و همچنین بیگانگان نمی توانند اشتغال به کارهای عمومی داشته باشند.

5- از حیث تکلیف پرداخت مالیات بر در آمد، تفاوتی میان اتباع داخله و بیگانه نیست.

6- در حقوق ایران، بیگانگان نیز مانند اتباع ایران حق ترافع نزد مراجع قضایی ایران را برابر قواعد حاکم بر صلاحیت دادگاهها در ایران دارا می باشند.

✓ جرائم ارتکاب یافته از سوی بیگانگان قابل تعقیب کیفری در محاکم ایران است.

فصل دهم: وضعیت اشخاص حقوق بیگانه در ایران

مبحث اول: کلیات

1- انواع اشخاص حقوقی :

الف- مؤسسات و تشکیلات دولتی

ب) شرکتهای تجاری

ج) تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری.

2- در حقوق ایران ضابطه ی تعیین تابعیت اشخاص حقوقی، معیار قراردادادن مرکز عملیات آنهاست.

3- تابعیت شخص حقوقی عمومی غیر قابل تغییر است.

4- اشخاص حقوقی حقوق خصوصی بیگانه برای فعالیت در ایران، حتماض باید در ایران ثبت شوند

VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR

دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

Varamin_news@live.com